بازخوانی عملیات مهم رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس؛

غروب فتح‌المبین، طلوع خرمشهر

عملیات فتح‌المبین، بازتاب غیرت و توانمندی جهادگران

سپهرغرب، گروه فرهنگی – عطیه صفی‌زاده: شکست حصر آبادان در عملیات ثامن‌الائمه و آزادسازی خرمشهر در عملیات بیت‌المقدس، گرچه دو نقطه عطف تاریخ هشت‌ساله دفاع مقدس هستند، اما پُل میان این دو پیروزی بزرگ رزمندگان اسلام و رساندن آن‌ها به باور پیروزی و آزادسازی خاک ایران، عملیات فتح‌المبین بود.

با گذشت دو سال و چندماه از آغاز تجاوز رژیم بعثی به خاک ایران و اشغال بخش‌هایی از آن، بیش از هر زمان دیگر ضرورت آزادسازی بخش‌های اشغالی و راندن دشمن از مرزها احساس می‌شد و برنامه‌ریزی‌ها برای عملیات با استحکام بالا و امکان موفقیت بیشتر میان فرماندهان جنگ آغاز شده بود.

جمهوری اسلامی در عملیات ثامن‌الائمه توانسته بود حصر آبادان را شکسته و رؤیای فتح ایران را برای صدام‌حسین تیره‌وتار کند. بر همین اساس، توانی در خود می‌دید که بتواند دیگر نقاط اشغال‌شده را هم به خاک وطن بازگردانده و آماده آزادسازی خرمشهر شود. رزمندگان اسلام با موفقیت در عملیات فتح‌المبین نوروز ماندگاری به مردم ایران در سال ۶۱ هدیه دادند و با آزادسازی بخش‌هایی از مناطق اشغال‌شده در جبهه جنوبی، این مناطق را از تسلط دشمن بعث خارج کردند.

روزهای پیش از عملیات فتح‌المبین

شواهد و اسناد موجود درباره عملیات فتح‌المبین نشان می‌دهد که این رویداد مهم را نه از نوروز ۶۱ که از زمستان سال ۶۰ و حتی پس از عملیات طریق‌القدس باید بررسی کرد. پس از این عملیات، ارتش عراق نیازمند بازسازی بود و نیروهای جمهوری اسلامی نباید اجازه چنین اقدامی را به آن‌ها می‌دادند؛ تقویت قوای دشمن مترادف با تداوم اشغال‌گری بود، اما بخش‌هایی از شمال خوزستان و غرب کرخه باید آزاد می‌شد تا شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش از تیررس تیرهای نیروهای عراقی خارج شده و دشمن به عقب رانده شود. نیروهای بعث در همان روزهای نخست جنگ بخش‌هایی از رود کرخه را اشغال کرده و از این طریق بر شهر شوش تسلط نسبی داشت، طرح‌ریزی عملیات فتح‌المبین در آبان‌ماه ۶۱ آغاز شده بود و اجرای آن در ماه‌های بهمن و اسفند همان سال درحالی انجام می‌شد که دو محور از چهار محور برنامه‌ریزی‌شده برای حمله با غافلگیری نیروهای خودی، از سوی نیروهای عراقی شناسایی و مورد حمله قرار گرفته بود.

پیش‌بینی موفقیت عملیات در دو محور باقی‌مانده دشوار بود و شاید یکی از دلایلی که فرماندهان از امام خمینی (ره) استمداد و استخاره خواستند، همین ابهام بود.

امیر «فرض‌الله شاهین‌راد» از فرماندهان جنگ تحمیلی، فتح‌المبین را به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین عملیات جنگ تحمیلی دانسته و با اشاره به سابقه آغاز هجوم عراق به ایران، گفته است: «قرار بود این عملیات روز اول فروردین‌ماه سال ۶۰ اجرا شود، اما دشمن در روز ۲۹ اسفندماه دو حمله کرد که موجب آسیب رسیدن به دو قرارگاه شد. شهید صیادشیرازی و سردار محسن رضایی هم در یک قرارگاه حضور داشتند؛ اجرای این عملیات با تردید روبه‌رو شد که درنتیجه سردار رضایی با هواپیمای جنگنده به حضور حضرت امام رفتند تا کسب تکلیف کنند، ایشان هم فرموده بودند بروید که انشاالله پیروزید، اما اگر خواستید، استخاره کنید. بعد از آن بود که استخاره هم انجام شد و سوره فتح آمد، از همین رو این عملیات فتح‌المبین نام گرفت.»

جزئیات عملیات

عملیات فتح‌المبین بامداد دوم فروردین‌ماه سال ۶۱ در جغرافیایی به وسعت دو هزار و ۵۰۰ کیلومتر در جبهه جنوب ایران آغاز شد. این عملیات که تا روز دهم فروردین‌ماه به طول انجامید، چهار مرحله داشت و چهار قرارگاه عملیاتی از چهار محور شوش، رودخانه کرخه، کوه میشداغ، در جاده اهواز- اندیمشک و غرب دزفول حمله را آغاز کردند. فرماندهان ارتش و سپاه در این عملیات آزادسازی بخش‌هایی از خاک ایران، انهدام لشگرها و ادوات نظامی عراق و درنهایت دور کردن خط مقدم و آتش مؤثر عراق از مرزها را به‌عنوان اهداف اصلی طراحی کردند. منطقه عملیات به چهار محور تقسیم شد و چهار قرارگاه قدس، نصر، فجر و فتح مسئولیت این چهار محور را برعهده گرفتند. مسئولیت «محور تی‌شکن» و «چاه نفت» برعهده قرارگاه قدس بود، غرب پُل نادری را قرارگاه نصر اداره کرد، قرارگاه فجر مسئولیت غرب شوش را عهده‌دار شد و درنهایت محور رقابیه و تصرف این تنگه هم با قرارگاه فتح بود.

در همین راستا با توجه به فرا رسیدن ۱۰ اردیبهشت‌ماه سالروز آغاز عملیات بیت‌المقدس با حاج‌علی‌اصغر حاجی‌بابایی به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه گزارش روایی این رزمنده انقلابی را باهم می‌خوانیم:

کلید آزادی خرمشهر، عملیات فتح‌المبین بود

لازم است ابتدا توضیح بدهم که چگونه موفق شدیم وارد منطقه خرمشهر شویم؛ درواقع کلید آزادی خرمشهر، عملیات فتح‌المبین بود که ما قبل از شروع عملیات یک تیپ با مشارکت نیروهای انقلابی همدان و تهران به‌نام تیپ محمد رسول‌الله (ص) تشکیل دادیم.

از ۲۶ دی‌ماه سال ۱۳۶۰ حاج‌احمد متوسلیان مسئولیت فرماندهی عملیات فتح‌المبین را به‌عهده گرفت و قائم‌مقام او فرمانده سپاه همدان شهید حاج‌محمود شهبازی بود و فرمانده محور عملیاتی این عملیات نیز سردار شهید حاج‌حسین همدانی شد و شهید حاج‌ابراهیم همت هم مسئولیت ستاد این عملیات را به‌عهده گرفت. بعد از عملیات فتح‌المبین از آنجایی که تجهیزات و امکانات خوبی جذب کرده بودیم و تیپ به یک ثباتی رسیده بود، بسیاری از مردم تمایل داشتند که به تیپ ما بپیوندند، در این راستا تعدادی هم از ارتش لشکر ۲۱ حمزه با ما بودند.

در تاریخ دوازدهم فروردین‌ماه به ما اعلام کردند که به «انرژی اتمی» در ۴۰ کیلومتری جاده اهواز- آبادان برویم؛ آنجا مکانی بود به‌نام دارخویی که آمریکایی‌ها و ژاپنی‌ها تلاش می‌کردند در محل مذکور انرژی هسته‌ای دایر کنند. ما در آن منطقه مستقر شدیم و از ۱۴ فروردین‌ماه تا ۱۰ اردیبهشت‌ماه که مرحله اولیه عملیات اُغاز شد، به شناسایی پرداختیم، شناسایی جاده را حاج‌محمود شهبازی به‌عهده گرفت.

درواقع شناسایی تا جاده اهواز- خرمشهر حدود ۲۰ روز توسط نیروهای همدان و چند نفر از بچه‌های تهران طول کشید و وقتی جاده و تمام مواضع دشمن شناسایی شد، ۶ روز بچه‌ها زیر توپ دشمن بودند.

در شب بیستم نیروهای انقلابی به جاده اهواز خرمشهر رسیدند و بعد از آن که نیروهای انقلابی از عملیات شناسایی برگشتند، حاج‌احمد متوسلیان و شهید باقری جلسه‌ای تشکیل دادند و بچه‌ها را توجیه کردند که از فردا یعنی (۱۰ اردیبهشت‌ماه) عملیات فتح‌المبین آغاز می‌شود.

از حاکم شدن فضای نورانی در جبهه تا ورود مشقت‌بار نیروهای انقلابی به جاده

از غروب شب دهم نیروهای انقلابی را قایق بلم به آن منطقه عملیاتی می‌برد. به محض ورود هریک از نیروها به کارهای شخصی خود می‌پرداخت؛ برخی‌ها حلالیت می‌طلبیدند، تعدادی وصیت می‌کردند و غیره.

به‌هرترتیب زمان رسیدن حرکت گردان‌ها فرا رسید، با مشقت زیاد تیپ محمد رسول‌الله (ص) خودش را به کنار جاده رساند؛ چراکه در نزدیکی جاده دشمن گردان تانکی خود را مستقر و از تمام تجهیزات فلزی مانند ریل‌های قطار برای خود سنگر درست کرده بود. با وجود محکم بودن این سنگرها، اما نیروهای انقلابی با استقامت، همدلی و شجاعت خود توانستند آن‌ها را منهدم کنند. بعد از انهدام سنگرها، حمله‌های دشمن شروع شد و این امر باعث شد نیروهای انقلابی شرایط بسیار سختی را در این عملیات تجربه کنند.

شب ۱۶ اردیبهشت‌ماه مرحله دوم عملیات شروع شد و از جاده حسینیه تا مرز حدود ۱۴ کیلومتر مانده بود که همراه با سخت‌ترین شرایط جوی و مشکلاتی همچون میدان‌های مین و تانک‌های فراوان بود، اما رزمندگان با مقاومت این ۱۴ کیلومتر تا مرز را پیمودند.

همین عملیات باعث شد که جاده اهواز- خرمشهر از توپخانه دشمن به دور بماند و خیلی از نقاط همچون شادگان آزاد شوند و ما به بصره و برخی نقاط دسترسی پیدا کردیم و وقتی به مرز رسیدیم، به زاویه ۹۰ درجه محل اسکان خود برگشتیم که این مکان حدود ۵۰ کیلومتر با خرمشهر فاصله داشت.

سپس مرحله سوم از ۱۹ اردیبهشت‌ماه شروع شد و به سمت شلمچه از پشت دشمن رفتیم؛ در مرحله سوم ۹ روز سختی کشیدیم تا به نهر عرایض رسیدیم و بعد کنار نهر خیر بودیم.

بعد از این ماجرا، در روز یکم خردادماه مرحله چهارم عملیات با رمز محمدبن‌عبدالله آغاز شده بود و در روز دوم خردادماه سردار شهید محمود شهبازی کنار دروازه خرمشهر و نهر خیر در اثر اصابت ترکش خمپاره، به شهادت رسید.

خاطرم هست آن روز سردار شهید حسین همدانی و حاج‌احمد متوسلیان هردو از ناحیه پا مجروح شده بودند و با عصا وارد منطقه شدند و چون از پشت دشمن وارد شده بودیم، موفق شدیم تعداد زیادی اسیر بگیریم.

حکایت سفر سران کنفرانس اسلامی به ایران

بعد از عملیات فتح‌المبین تعداد اسرای زیادی که گرفتیم، سبب شد گروهی از سران کنفرانس اسلامی به ایران بیایند و درخواست آتش‌بس بدهند که اگر قبول کرده بودیم، اکنون همانند جنوب لبنان که بیش از ۶۰ سال درحال جنگ است، باید با کشورهایی همچون آمریکا، اسرائیل، عراق و ۵۶ کشوری که پشت صدام بودند، می‌جنگیدیم.

در آن زمان حضرت امام (ره) سه جمله به آن‌ها گفت که عبارت‌اند از: ۱- متجاوز شناخته شوید، ۲- غرامت جنگی پرداخت کنید، ۳- هر کشوری برود سر نوار مرزی خودش مستقر شود. آن‌ها چون از آمریکا مأموریت داشتند، رفتند و پشت سرشان را هم نگاه نکردند.

بعد از فتح خرمشهر و پیروزی در عملیات فتح‌المبین احوالات رزمنده‌ها با آن دلاورمردی‌ها، ایمان راسخ و روحیه خستگی‌ناپذیری که داشتند، وصف‌ناپذیر بود و شک نکنید که اگر نیروها عملیات را متوقف می‌کردند، قطعاً دشمن پیروز می‌شد، اما ببینید عشق به وطن و غیرت نیروهای انقلابی سبب شد با وجود آنکه چند روز تمام بدون خواب و غذا و با کمترین امکانات بودند، اما با اقدامات به‌موقع خود دشمن را غافلگیر کردند و این بزرگ‌ترین افتخار است و رزمندگان سپاه و ارتش به دنیا فهماندند که ما رهبر مقتدر و نظام اسلامی داریم و مقاومت و ایمان رزمندگان سبب شد به پیروزی برسیم.

خیلی سؤال می‌شود که در این عملیات چند اسیر گرفتید؟ در پاسخ باید عرض کنم که ما در کل عملیات هشت هزار اسیر از عراقی‌ها گرفتیم؛ تعداد زیادی هم کشته شدند. اما وقتی وارد خرمشهر شدیم، چون از پشت دشمن حمله کرده بودیم، حدود ۱۱ هزار نفر داخل خرمشهر اسیر گرفتیم و فرمانده نیروهای عراقی احمد زیدان همان‌جا کشته شد.

متأسفانه در این عملیات ۶ هزار نفر از نیروهای دلسوز و انقلابی شهید شدند که تعداد ۵۵ نفر از آن‌ها از بچه‌های همدان بودند و ۱۲۰ نفر نیروی همدانی نیز مجروح شدند.

اگر جنگ را تمام می‌کردیم، خرمشهر آزاد نمی‌شد

من به‌عنوان رزمنده این عملیات از شما می‌خواهم که این مطلب را به گوش جوانان و نوجوانان برسانید، دلیل آنکه نیروهای انقلابی جنگ را بعد از فتح خرمشهر تمام نکردند این بود که در آن زمان دو هزار و ۸۰۰ کیلومتر مربع خاک ما دست عراقی‌ها بود، اما لیبرال‌های داخل می‌گفتند چرا این‌ها صلح نمی‌کنند! تا قبل از فتح خرمشهر نمی‌گفتند چرا عراق تجاوز کرده، اما وقتی خرمشهر را گرفتیم، می‌گفتند چرا همچنان می‌جنگید؟! اکنون هم این افراد در داخل همین حرف‌ها را می‌زنند، درواقع اگر بعد از آزادی خرمشهر انقلابیون جنگ را تمام می‌کردند، مناطقی از خرمشهر در دست عراقی‌ها می‌ماند، اما دلاورمردی‌های گروه انقلابی و مجاهد باعث شد که خرمشهر آزاد شود.

نسل امروز کمتر از نسل‌های قبل نیستند

در پایان لازم است بگویم که به نظر بنده نسل امروز کمتر از نسل‌های قبل نیستند؛ وقتی راهپیمایی‌ها پیش می‌آید، جوان‌های ما در صف اول هستند و از آن‌ها خواهش می‌کنم دنبال زندگی شهدا، فرهنگ جهاد و شهادت و این افتخارات باشند؛ چراکه آینده مملکت ما دست جوان‌ها است و باید به تفکر و فرهنگ اسلام عمل کنند و نه به فرهنگ غربی و اگر قرار باشد با فرهنگ غرب پیش بروند، دشمن درست بیخ گوش ما است.

جوانان بدانند که ما این‌همه مشکلات را تحمل کردیم که آقای بالای سر نداشته باشیم، ما نمی‌خواهیم به آن زمان برگردیم؛ جوانان بدانند مملکت خانه خودشان است، از آن حراست کنند و به نسل‌های آینده تحویل دهند.

خبر خوشحال‌کننده به سردار فضلی درباره آزادسازی خرمشهر

سپهرغرب، گروه فرهنگی: سردار علی فضلی درباره روز سوم خرداد سال ۶۱ می‌گوید: از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجیدیم. دقایقی نگذشت که مهدی شرع‌پسند خبر داد که به لطف الهی بعد از ۱۹ ماه پرچم جمهوری اسلامی را بر فراز مسجد جامع خرمشهر به اهتزار درآوردیم.

سردار علی فضلی یکی از فرماندهان سپاه پاسداران که در عملیات آزادسازی خرمشهر حضور داشته، این چنین به بیان خاطرات آن روزهای ظفر پرداخته است که به مناسبت چهلمین سالگرد فتح خرمشهر می‌خوانیم:

■ هنوز از لیوان چای، بخار بلند می‌شد!

به قرارگاه فراخوانده شدم و همراه با شهید کلهر به آنجا رفتیم. وارد قرارگاه که شدم، دیدم شهید حاج احمد کاظمی (فرمانده وقت لشکر ۸ نجف) و شهید حاج حسین خرازی (فرمانده لشکر امام حسین(ع)) هم آنجا هستند. سردار رشید گفت: قرار است آخرین مرحله عملیات را انجام دهیم و بعد وارد خرمشهر شویم.

آن زمان، من فرمانده تیپ ۳۳ المهدی (عج) بودم. جناح چپ عملیات از رودخانه کارون تا جاده اهواز ـ خرمشهر بر عهده ما بود. سمت راست هم لشکر نجف و لشکر امام‌حسین (ع) تا بندر خرمشهر عملیات می‌کردند. ما باید در روز روشن با دشمن درگیر می‌شدیم.

■ بعد از ابلاغ مأموریت، برگشتم پیش بچه‌های خودمان

صبح سوم خرداد، کنار جاده اهواز ـ خرمشهر با فرماندهان گردان‌ها جلسه‌ای گذاشتم. شهید کلهر، شهید شرع‌پسند، شهید عربیان، شهید خوش‌رفتار و حاج حسن دقیقی به ما در تیپ المهدی (عج) کمک می‌کردند. مأموریت کلی را برایشان تشریح کردم و حد مأموریت هر گردان را توضیح دادم.

قرار بود ما به دژی که اطراف خرمشهر بود برسیم، آن را فتح کنیم و بعد هم از طریق پادگان دژ خرمشهر، از سمت رودخانه کارون و شرق خرمشهر وارد شهر شویم. ما باید از جاده جنت به سمت مرکز شهر خرمشهر عملیات می‌کردیم.

صبح زود، عملیات آغاز شد و فرماندهان گردان‌ها یکی پس از دیگری پیغام دادند که به دژ رسیدند.

■ شهید عربیان پیام داد: ما به جاده جنت رسیدیم

ماموریت شهید حاج یدالله کلهر فتح پادگان دژ خرمشهر بود که او هم در بیسیم اعلام کرد: برادر علی! ما به پادگان دژ رسیدیم و فرمانده لشکر عراق را به اسارت گرفتیم. حرکتمان آن قدر سریع و برق‌آسا بود که وقتی وارد سنگر شدیم، هنوز از لیوان چایی که مقابلش بود، بخار بلند می‌شد!

گردان‌ها یک به یک درگیر شدند و هر کدام لحظه به لحظه موقعیت خود را اعلام کردند.

شهید مهدی شرع‌پسند پشت بیسیم اعلام کرد: ما الان به میدان شهدا رسیده‌ایم و داریم به سمت مسجدجامع خرمشهر عملیات می‌کنیم. او لحظاتی بعد دوباره روی شبکه بیسیم آمد و گفت: دارم گلدسته‌های مسجدجامع خرمشهر را می‌بینیم تا دقایقی دیگر به مسجد می‌رسیم.

از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجیدیم. دقایقی نگذشت که مهدی شرع‌پسند خبر داد: به لطف الهی بعد از ۱۹ ماه پرچم جمهوری اسلامی را بر فراز مسجد جامع خرمشهر به اهتزار درآوردیم.

مهدی که به مسجد جامع خرمشهر رسید، با لشکرهای نجف و امام حسین (ع) که از سمت راست ما (غرب خرمشهر) وارد شده بودند، الحاق برقرار و خرمشهر عزیز آزاد شد و نماز ظهر روز دوشنبه سوم خرداد سال ۱۳۶۱ مصادف با آخرین روز ماه رجب در مسجد جامع خرمشهر به جماعت برگزار شد.